

Qatar and the Knowledge-Based Economy: A New Model for Developmental State

Ehsan Mozdkhah* | Ph.D. Student in Political Science/ Iran issues/
Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Somaye Hamidi * | Associate Professor Political Science Department of
Birjand University, Birjand, Iran.

Abstract

Diversification of economic models is an Inevitable Necessity for Countries with one-sided political economy. Essentially, economic diversity allows governments to turn threats into opportunities and to use economic variables in the Power manufacturing. For this purpose, one of the countries that has used diversification in the economy in the framework of the knowledge-based economy model is Qatar. Emphasizing the convergence between government, industry and academia in a systemic cycle, the country seeks to increase its political power while changing approach to the hydrocarbon political economy, and as an adaptive actor has multiple options for empowerment and lays the groundwork. Become a modern developmental government. The Purpose of this article is to answer the question to what extent does the knowledge-based economy, as a new and empowering approach to economics and politics, play a role in creating a compatible development-oriented government in Qatar? The research hypothesis is that Qatar government, Will emphasizing the knowledge-based economy, Economic diversification approach and the model of Niche Diplomacy in Foreign Policy to build a Developmental State has followed. To test this hypothesis, the subject is placed in the conceptual context of knowledge-based economics theory. The method of data collection is library and the method of research descriptive-analytical. Based on the hypothesis test, the research findings show that Qatar has adopted a new developmental ecosystem to produce power and wealth simultaneously with the knowledge-based economy approach.

The Persian Gulf region has always had many valuable natural reserves such as oil and gas due to its geo-economic position, and the countries of the region have a hydrocarbon political economy due to these geo-economic drivers. In recent years, some countries in the region, such as Qatar, in order to diversify their economic models, transition from a single-product economy and reduce the vulnerability factor, have developed new strategies and perspectives for

* Em.mozdkhah@mail.um.ac.ir.

* **Corresponding Autho:** Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

How to Cite: Mozdkhah, E., & Hamidi, S. (2022). Qatar and the Knowledge-Based Economy: A New Model for Developmental State. State Studies, 8(32)

the development and change of economic approaches, and are trying to apply the knowledge-based economy model as a model and the new alternative has been a development with international perspectives. The focus of Qatar's leaders and internal institutions to change the approach of a single-product and oil political economy to a knowledge-based economy that includes cooperation between industry, academic institutions and the government has been established in the country's upstream documents and visions, such as the Qatar National Vision 2030 document. The path of development in a region with chaos and tension and emerging as an effective regional and international order-making power has been taken into consideration from this point of view.

Methodology

The present Article through an analytical process method, and Data collected based on the library one.

Result and Discussion

Considering the problem of improving the potential of their political economy, Qatari statesmen have offered programs based on good governance model and participation at regional levels as a peace-making mediator, in order to generate wealth in the economy, produce power in foreign policy and apply an adaptive model. Qatar, as a small state with great international ambitions to diversify its economy and becoming a regional power and an emerging global power, has followed such an approach, and this approach has paved the path of Qatar's development, which is drawn according to the 2030 vision.

Conclusion

The findings show that the patterns of political economy are evolving and based on those countries have achieved new models of development. Today, Qatar in the Persian Gulf and the Middle East region has created a new level of development for the transformation of the State institution by emphasizing the knowledge-based political economy. Qatar, as a small state with great international ambitions to diversify its economy and become a regional power and an emerging global power, has followed such an approach, and this approach has paved the path of Qatar's development, which is drawn according to the 2030 vision. The approach of Qatar's knowledge-based economy, along with generating wealth in the field of economy, includes political activism in regional and international foreign policy.

Keywords: Knowledge-Based Economy, Economic Diversity, Compatible Foreign Policy, Qatar.

قطر و اقتصاد دانش بنیان: الگوی نوین برای توسعه یافتگی دولت

احسان مزدخواه ^{ID} دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

سمیه حمیدی ^{ID*} دانشیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

تنوع سازی الگوهای اقتصادی ضرورت اجتناب ناپذیر برای کشورهای دارای اقتصاد سیاسی تک وجهی است. اساساً تنوع اقتصادی به دولت ها این امکان را می دهد تا تهدیدات را به فرصت تبدیل نمایند و متغیر اقتصاد را در پرتو تولید قدرت به کارگیرند. به همین منظور، یکی از کشورهایی که تنوع بخشی در اقتصاد را در چارچوب الگوی اقتصاد دانش بنیان به کار برده، قطر است. این کشور با تأکید بر همگرایی میان دولت، صنعت و نهاد دانشگاهی در یک چرخه سیستمی در صدد است تا ضمن تغییر رویکرد در اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بر قدرت سیاسی خود نیز بیفزاید و به عنوان یک کنشگر انطباقی گزینه های متعددی برای قدرت سازی در اختیار داشته باشد و بستر ساز ایجاد یک دولت توسعه گرای مدرن شود. وجه همت این نوشتار پاسخ به این پرسش است که الگوی نوین قطر به منظور ساخت یک دولت توسعه گرای انطباق محور در نظام بین الملل چگونه است؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که قطر با تأکید بر الگوی اقتصاد دانش بنیان، رویکرد تنوع سازی اقتصادی و الگوی دیپلماسی نیچه ای را برای ساخت دولت توسعه گرا در پیش گرفته است. برای آزمون این فرضیه، موضوع در بستر مفهومی تئوری اقتصاد دانش محور قرار گرفته است. روش گردآوری داده ها کتابخانه ای و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. یافته های پژوهش نشان می دهد که قطر با رویکرد اقتصاد دانش بنیان اکوسیستم توسعه گرای جدیدی را برای تولید قدرت و ثروت به طور هم زمان در پیش گرفته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد دانش بنیان، تنوع اقتصادی، سیاست خارجی انطباق محور، قطر

مقدمه

منطقه خلیج فارس همواره به دلیل موقعیت ژئواکونومیک دارای ذخایر ارزشمند طبیعی فراوانی مانند نفت و گاز بوده است و کشورهای منطقه با توجه به این پیشران‌های ژئواکونومیک دارای اقتصاد سیاسی هیدروکربنی هستند. در سال‌های اخیر برخی از کشورهای منطقه مانند قطر به‌منظور متنوع‌الگوهای اقتصادی خود، گذار از یک اقتصاد تک‌محصولی و کاهش ضریب آسیب‌پذیری به تدوین استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای جدید برای توسعه‌یافتگی و تغییر رویکردهای اقتصادی پرداخته‌اند و درصدد اعمال الگوی اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان یک مدل و آلترناتیو جدید توسعه‌ای با چشم‌اندازهای بین‌المللی بوده‌اند. بررسی ابعاد مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در قطر نشان می‌دهد که رهبران به‌عنوان عاملیت پیشران همواره خواهان تغییر و تحول در قطر به‌عنوان یک کشور کوچک اما دارای جاه‌طلبی‌های بزرگ بین‌المللی هستند. تمرکز رهبران و نهادهای داخلی قطر برای تغییر رویکرد اقتصاد سیاسی تک‌محصولی و نفتی به یک اقتصاد دانش‌بنیان که دربرگیرنده همکاری‌هایی میان صنعت، نهادهای دانشگاهی و دولت باشد، استوار شده است. به‌طوری‌که در اسناد و چشم‌اندازهای بالادستی این کشور مانند سند چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر، مسیر توسعه‌یافتگی در یک منطقه پرآشوب و تنش و مطرح‌شدن به‌عنوان یک قدرت اثرگذار و نظم‌ساز منطقه‌ای و بین‌المللی از این رهگذر مورد توجه قرار گرفته است. به‌باور دولتمردان قطر ارتقای پتانسیل اقتصاد سیاسی، ارائه برنامه‌هایی مبنی بر الگوی حکمرانی خوب و مشارکت در سطوح منطقه‌ای به‌عنوان یک میانجی‌گر صلح‌ساز می‌تواند در کنار تولید ثروت در اقتصاد به تولید قدرت در سیاست خارجی و اعمال یک الگوی انطباق‌محور منجر شود و این کشور به قطب منطقه‌ای مبدل گردد. نوشتار حاضر با توجه به این دغدغه که مسیر توسعه‌یافتگی قطر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه چگونه است این پرسش را مطرح می‌سازد که اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان رهیافت نوین و قدرت‌ساز اقتصاد و سیاست به چه میزان در ایجاد دولت توسعه‌گرای انطباق‌گرا نقش دارد؟ در پاسخ این فرضیه را می‌توان طرح کرد که دولت قطر ضمن شناسایی تهدیدات اقتصاد هیدروکربنی رویکرد تنوع‌بخشی اقتصادی دانش‌بنیان را برای تولید ثروت (اقتصاد) و تولید قدرت (سیاست) پیگیری می‌نماید.

یافته‌ها رویکرد نظری

الف. اقتصاد دانش‌بنیان و دولت توسعه‌گرا

در سال‌های اخیر اهمیت روبه‌رشد و فزاینده صنایع مبتنی بر دانش موجب طرح این مساله شده است که توسعه‌یافتگی دولت‌ها در نظام‌بین‌الملل در آینده‌ای نزدیک وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی و اعمال یک سیاست خارجی فعال و انطباقی خواهد توانست بسترسازی لازم برای ظهور دولت توسعه‌گرای مبتنی بر دانش و به‌بیان‌دیگر دولت‌سازی فعال به‌منظور حکمرانی خوب را فراهم آورد (Sleuwaegen and Boiardo, 2014:151). اقتصاد دانش‌بنیان گونه‌ای از امر اقتصادی و سیاسی است که به‌طور مستقیم بر پایه تولید، توزیع و استفاده از دانش و علم به‌روز جهانی برای تولید ثروت پایدار بنا شده است و اساساً ارتباط همبسته میان صنعت، آموزش و کنشگری حکومت در نظام‌بین‌الملل را برقرار می‌سازد. بانک جهانی در تعریف خود از اقتصاد دانش‌بنیان بیان می‌دارد که این نوع از اقتصاد از چهار محور تشکیل شده است که به شرح زیر است:

۱. ارتقای انگیزش‌های اقتصادی - نهادی که در آن نهادها، رویکردهای اقتصادی کارآمد را در پیش می‌گیرند و به‌نوعی محرک و پیشران کارآمدی اقتصادی، خلاقیت، نوآوری، تولید ثروت و قدرت محسوب می‌شود و دانش موجود برای بهبود عملکردی استفاده می‌شود؛
۲. وجود یک نظام کارآمد که شامل بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای آموزشی است که همسو با رشد علمی جهان پیش می‌روند و با همانندسازی خود با نظام‌بین‌الملل درصدد حل و فصل نیازهای ملی خود هستند؛
۳. وجود نیروهای کار تحصیل‌کرده برای خلق فرصت و نوآوری مبتنی بر دانش بهره می‌گیرند؛
۴. اعمال و اجرای یک سیاست خارجی فعال و انطباقی توسط دولت که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کنشگری هوشمندانه را انجام دهد و در تلاش برای قدرت‌سازی شبکه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد (Range and Etzkowitz, 2013:249)؛ به‌طوری‌که سیاست خارجی و داخلی را در راستای توسعه اقتصادی پیش برند.

در نظام بین‌الملل کنونی اهمیت نوآوری و تنوع‌سازی اقتصادی از ابزارهای لازم برای دولت‌ها در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی است که پیشران توسعه‌یافتگی و برجسته‌سازی آنان در نظم منطقه‌ای و جهانی است و می‌تواند بستر ساز حکمرانی خوب با الگوی یک دولت فعال در توسعه گردد (صفریان و امام‌جمعه زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۴-۱۴۹). از جمله بازیگران اصلی در دستیابی به چنین اکوسیستم توسعه محوری، صنعت نهاد آموزش و دولت هستند. به بیان دیگر، مشارکت بین صنعت، دانشگاه و دولت چارچوبی برای ظرفیت‌سازی نوآورانه است که به عنوان یک فرآیند مدل‌سازی شده محسوب می‌شود و این روند به دنبال تحقیق، توسعه، افزایش کارآمدی، قدرت‌سازی، بازاریابی است که به نوعی معروف به رویکرد دانش‌بنیان است (Ikeshita & Ikazaki, 2021: 9-17).

با این حال در سال‌های اخیر نوآوری در تعاملات پیچیده میان بخش‌های صنعتی، آموزشی و نهادهای دولتی به وجود آمده که اکثراً در تعاملات شبکه‌ای و رویکردهای توسعه خواهانه دنبال شده است. مسئله نوآوری و تنوع‌بخشی رویکردی از جمله بایسته‌ها و الزامات رشد، توسعه و پیشرفت اقتصادی - سیاسی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است. اساساً یکی از مسائل بسیار راهبردی در ارتباط با اقتصاد دانش‌محور و توسعه‌یافتگی استفاده از آموزش، نهادهای دانشگاهی و فناوری‌های نوین جهانی در حوزه اقتصاد است. آموزش در اقتصاد دانش‌بنیان به صورت تولید و انتقال دانش به‌روز و جهانی است که می‌بایست به این حوزه گسیل شود و باعث تقویت این بستر گردد. از این رو، مشارکت میان صنعت، دانشگاه و دولت^۱ در کشورهای مختلف می‌تواند چارچوب‌ها و بسترهای نوآوری، قدرت‌سازی و توسعه‌یافتگی منطقه‌ای بین‌المللی را برای کشورها فراهم آورد (Sanchez- Barrioluengo, 2019: 1769). به‌طور کلی، اقتصاد دانش‌بنیان توجه به اهمیت مهارت، فناوری و نوآوری در برند سازی ملی است که به نوعی جدیدترین رویکرد اقتصادی در عصر اقتصاد پسا صنعتی است. به بیان دیگر، در این مدل دولت‌ها با استفاده از فناوری و علم به‌روز جهانی برای تولید ثروت، قدرت و در یک کلام توسعه‌یافتگی بهره‌برداری می‌نمایند تا ضمن انطباق‌گرایی با نظام بین‌الملل تبدیل به یک برند جهانی شوند و در دوران جامعه ارتباطی با عطف بر فناوری، علم، تربیت نیروی انسانی توسعه‌خواه و اساساً تولید فکر نوین به قدرت دست یابند و روند انطباق‌پذیری خود را با جریان توسعه جهانی هموار سازند. انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل همواره مورد مناقشه نظریه‌پردازان عرصه‌ی سیاست خارجی بوده است؛ اما تئوری‌های روابط

بین‌الملل و توسعه، دیپلماسی فعال اقتصادی دانش‌بنیان را به‌عنوان کاتالیزور انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل می‌دانند. سیاست خارجی انطباق‌پذیر با محیط بین‌الملل به دنبال این استراتژی است که در محیط جهانی یک جهت‌گیری پراگماتیسمی و منطقی را دنبال کند و به دنبال کنش‌های تعاملی، چندجانبه رقابتی و کم‌هزینه در محیط بین‌الملل باشد. ازجمله ابزارهای سیاست خارجی انطباق‌پذیر با محیط بین‌الملل علی‌رغم دیپلماسی اقتصادی، پیگیری الگوی یک دولت میانجی‌گر برای کاهش سطح منازعات و پیوند سازی میان بازیگران است. این رویکرد یعنی دولت‌ها در کنار یک سیاست خارجی تعامل‌گرایانه و دوری از روایت‌های تنش‌آفرین زمینه کنش‌پذیری مؤثر در جهت تأمین منافع به شبکه‌سازی‌های ارتباطی روی می‌آورند (Yu, 2017: 56-64). در تئوری‌های توسعه‌یافتگی، انطباق‌گرایی با محیط جهانی به‌وسیله دولت می‌تواند بسترهای رقابتی سازی صنایع داخلی و قدرت سرمایه‌گذاری خارجی به‌منظور بازاریابی منطقه‌ای افزایش دهد. به‌طور کلی، سیاست خارجی انطباق‌گر دارای دودسته از اهداف راهبردی کلان می‌شود که شامل اقدامات سیاستی در راستای افزایش سطح همکاری‌ها (برند سازی ملی) و استقلال سیاست خارجی و همچنین اقدامات اقتصادی با تأکید بر پروژه‌سازی چندجانبه محور، راهبردهای سرمایه‌گذاری (جذب و سرمایه‌گذاری خارجی) خواهد بود. ازجمله سیاست‌های عملی دولت‌های کوچک برای انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل همسازی از طریق گزینش سیاست‌های راهبردی برای افزایش سطح پیوند و همکاری است که این رویکردهای می‌تواند در حوزه اقتصاد بر تداوم و پیوستگی ارتباطی میان بازیگران منجر شود. به‌طور کلی، استراتژی دولت‌های کوچک در رهیافت انطباق‌گرایی با سیستم جهانی، متعادل خواهد بود که این رهیافت در چارچوب‌های منطقه‌گرایی و فرا منطقه‌گرایی چندجانبه محور، اقتصادی سازی دستگاه سیاست خارجی، ایفای یک نقش میانجی و افزایش سطح همکاری‌ها با قدرت‌های بزرگ و متوسط نظام بین‌الملل است. سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی دولت‌های کوچکی مانند قطر و سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور به‌منظور انطباق‌پذیری بین‌المللی به معنای نو‌پدیدگی در مؤلفه قدرت است که دولت می‌تواند در منطقه و فرا منطقه از خود به نمایش بگذارد. این رفتارها می‌تواند برآمده از پیشران‌هایی مانند: قدرت اقتصادی و انباشتگی ثروت آنان باشد که توانایی قدرت انطباق‌پذیری و خودسازمان‌دهی بانظم بین‌المللی را افزایش می‌دهد (Lanhoso & Cohelho, 2020: 3). نهایتاً انطباق‌گری با محیط بین‌الملل

به‌عنوان یک مؤلفه نوپدید در سیاست خارجی دولت‌های کوچک را می‌توان در قالب روایت قدرت - وابستگی جای داد. در این روایت بر چندجانبه‌گرایی و ائتلاف‌سازی میان بازیگران تأکید دارد که اساساً این پیوند سازی با محوریت قدرت، توازن و افزایش سطح همکاری‌ها قابل تفسیر است به این معنا که میزان اعمال قدرت بازیگر (الف) در محیط بین‌الملل بر میزان ارتباط و همکاری آنان در سطوح دوجانبه و چندجانبه اثرگذار است و می‌تواند در ارتقای شبکه‌سازی برای قدرت و همکاری و همچنین انطباق با محیط بین‌المللی مؤثر باشد. به بیان دیگر، رویکرد اعمالی این دولت‌ها در پرتو «توازن نهادی»^۱ است؛ به این معنا که دولت مزبور سعی می‌کند منافع خود را در قالب نهادها، طرح‌های مشترک تعقیب نماید و در ساخت‌یابی ارتباطی که دربرگیرنده کنشگران دولتی، نهادی و غیردولتی است به‌عنوان مؤلفه قدرت ساز عمل کند و در پویایی قدرت و انطباق‌پذیری با محیط، عاملیت معطوف به کنش شناخته شود. «ژنگ» بیان می‌دارد که «دولت‌ها زمانی که با خوانش اقتصاد سیاسی متنوع ساز حوزه‌های گوناگونی را برای ائتلاف‌سازی و ایده هم‌پیوندی ترتیب می‌دهند، متناسب با آن لایه‌هایی از قدرت را برای خود تعریف می‌کنند» (Zheng, 2021: 140-147). این گفته بدین معنا است که دولت‌های نظام‌بین‌الملل علی‌الخصوص دولت‌های کوچک در قالب‌های انطباق‌سازی متداخل با بازیگران از سیاست‌های سرمایه‌گذاری اقتصادمحور استفاده می‌کنند و به‌عنوان یک دولت مدل‌ساز و دارای الگو در نظم بین‌الملل مورد شناسایی قرار می‌گیرند. به‌طور مثال، توسعه صنایع گازی و تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه‌ای و جهانی توسط قطر در چنین الگویی جای می‌گیرد و یا بسترسازی برای سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری قطر در بندرهای شرقی آمریکا و تأمین مالی این پروژه عظیم با همکاری نهادهای مالی مانند «مورگان استنلی»، «اچ‌اس‌بی‌سی» و «سوئیس کردیت با همراهی یک‌نهاد داخلی توسعه‌خواه یعنی شرکت «قطر ترمینالز»^۲ نمونه‌هایی از انطباق‌گرایی جهانی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی برای برند سازی بین‌المللی است.

ب) اقتصاد دانش‌بنیان^۳ و تنوع اقتصادی؛ مسیری برای توسعه‌یافتگی

قطر در مقایسه با جمعیت کم، دارای ذخایر ارزشمند هیدروکربنی نفت و گاز است. این ثروت عظیم در کنار جمعیت کم باعث شده است تا قطر را در زمره کشورهای با بیشترین

1 Institutional balance

2 Qatar Terminals

3 Knowledge-based economy

درآمد سرانه در جهان قرار دهد (Abduljawad, 2019: 210). از جمله زمینه‌های تحول اقتصادی قطر و گذار به سمت اقتصاد توسعه‌گرا تغییر ذهنیت نخبگانی و سیستم حکمرانی این کشور بوده است. از دهه ۲۰۰۰ میلادی با افزایش سطح درآمدهای اقتصادی و توجه به آسیب‌پذیر بودن اقتصاد سیاسی هیدروکربنی، ساخت سیاسی قطر در راستای متنوع‌سازی الگوهای اقتصادی این کشور و تبدیل قطر به یک دولت توسعه‌گرا، رهیافت اقتصاد دانش‌بنیان را مدنظر قرار دادند. از دید سیستم حکمران قطر، صنعتی‌سازی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری این کشور در دو بُعد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بسترساز تحول اقتصاد توسعه‌گرا گردید (Powell and Senllman, 2020: 90-101). به باور ساخت سیاسی قطر، اقتصاد دانش‌بنیان مؤلفه تولید قدرت در همگرایی صنعت، دولت و دانشگاه و ایجاد اقتصاد توسعه‌گرا است، اقتصادی که مبتنی بر منابع متعدد و متنوع که در محور سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار خارجی است که توانایی بالایی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نظام‌بین‌الملل دارد و می‌تواند در ساخت‌یابی اکوسیستم اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان اقتصاد توسعه‌گرا مؤثر باشد.

همان‌طور که بیان گردید از جمله بسترهای تحول که در ساخت اقتصاد توسعه‌گرای قطر به‌عنوان یک متغیر تسهیل‌گر عمل کرده است سرمایه‌گذاری داخلی است. قطر با توجه به درآمدهای اقتصادی از سال ۲۰۰۵ با ایجاد سازمان سرمایه‌گذاری قطر قسم عمده‌ای از مازاد درآمدهای اقتصادی و سود حاصل از اقتصاد سیاسی هیدروکربنی را بر تقویت نهادهای داخلی اختصاص داده است. به باور نخبگان تصمیم‌ساز قطری مانند: «حمد بن جاسم آل ثانی» و همچنین «تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی» توسعه نهادهای داخلی در قدرت‌سازی بین‌المللی این کشور مؤثر خواهد بود. به همین منظور، سیستم نخبگانی فوق با تفکر توسعه‌خواهی به تقویت و ارتقای نهادهای داخلی برای کنشگری مؤثر در محیط بین‌الملل پرداختند؛ به‌طوری‌که سود حاصل از اقتصاد سیاسی نفت و گاز از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید و بخش اعظمی از آن به تقویت نهادهای داخلی مانند: سازمان سرمایه‌گذاری قطر اختصاص پیدا کرد (Mason, 2020: 54). از دیگر بسترهای سرمایه‌گذاری داخلی قطر، می‌توان به تلاش سیستم حاکمیتی این کشور برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های علمی-تحقیقاتی، نهادهای آموزشی، توسعه فناوری‌های نوین (های‌تک)، ارتقای سطوح فرهنگی مانند ایجاد موزه و ساخت کتابخانه ملی از حدود ۷۰

میلیارد دلار به ۱۳۰ میلیارد دلار با تأکید بر میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ اشاره کرد. قطر با بودجه‌ای به مبلغ ۲۲۵ میلیارد دلار توسعه زیرساختی داخل را در پیش گرفت که توسعه فرودگاه بین‌المللی حمد و توسعه خطوط مترو برای توریست‌های بین‌المللی که به واسطه جام جهانی فوتبال وارد این کشور خواهند شد مبلغ ۳۰ میلیارد دلار را پیش‌بینی کرده است. همچنین استفاده از دانش و فناوری بروز دنیا در ساخت ورزشگاه‌های میزبان مسابقات فوتبال سال ۲۰۲۲ مانند ورزشگاه «لوسیل سیتی»^۱، «البت»^۲ و ورزشگاه فوق حرفه‌ای «شهر آموزشی»^۳ «الریان» درصدد است تا ضمن پوشش مسابقات جام جهانی در بالاترین کیفیت ممکن، به جذب توریست پردازد؛ به طوری که در معماری این سازه‌ها از فناوری‌های جدید که نمایش‌دهنده فرهنگ و تاریخ قطر بر روی دیواره‌های خارجی این ورزشگاه‌ها است رونمایی خواهد کرد و مهم‌تر این که بیش از ۳۰ درصد از مصالح ساخت این سازه‌های ورزشی از مواد سبز است که سازگارترین مواد با محیط‌زیست بوده که عملاً دربرگیرنده تفکر دانش‌بنیان‌سازی قطر است.

افزایش قدرت سرمایه‌گذاری خارجی قطر از دیگر نقاط تحول و گذار به سوی اقتصاد توسعه‌گرا بوده است. به طور متوسط منافع حاصل از سرمایه‌گذاری قطر سالانه از ۱۲ تا ۱۶ درصد است که حجم سرمایه‌گذاری این کشور تقریباً ۱۵ تا ۲۵ میلیارد دلار است. این سطح از سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده پیوند بین‌المللی و انطباق‌پذیری این کشور است. در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی قطر که بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در سال بوده است به این کشور اجازه می‌دهد تا در پروژه‌های اقتصادی جهانی با قدرت بیشتری کنشگری کند (Mari-Brady, 2021: 224-225)؛ سرمایه‌گذاری‌هایی در زمینه‌های ساختمان‌سازی، هتل‌سازی، زمین‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنایع از این جمله است. به عنوان مثال، بر اساس گزارش «مرکز تحقیقاتی ساختمانی و مالکیت فرانسه» و «سازمان سرمایه‌گذاری قطر»، در طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ قطر با بیش از ۱۰ میلیارد یورو در صنعت ساختمان‌سازی پاریس سرمایه‌گذاری کرده است. در همین راستا، تلاش این کشور برای به دست آوردن ساختمان «ویر جین» در شماره ۵۲ خیابان «شانزه‌لیزه» نشان‌گر تلاش قطر برای حضور بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در جهت قدرت‌سازی و توسعه اکوسیستم اقتصاد توسعه‌گرا است (Martin et al., 2021: 14-20). به عبارت دیگر، الگوی اقتصاد دانش‌بنیان

1 Lusail Stadium
2 Al Bayt Stadium
3 Education City Stadium

قطر بر سه محور استوار شده که شامل «گردش مالی»^۱ فزاینده در سطح بین‌المللی، توسعه «ارزش بازاری»^۲، «مخاطب‌پذیری»^۳ و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بالاست.

۱. سیاست‌های عمومی و اکوسیستم توسعه‌یافتگی قطر با محوریت اقتصاد دانش‌بنیان عناصر اکوسیستم نوآوری و تنوع‌سازی اقتصادی قطر به همراه سیاست‌گذاری‌های عمومی این کشور در هموارسازی دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان مؤثر بوده است. از جمله ابزارهای تعیین میزان توسعه‌یافتگی دولت‌ها بررسی سطح «شاخص رقابت‌پذیری جهانی»^۴ و همچنین «شاخص نوآوری جهانی»^۵ آنان است (Tassey, 2017: 23-24). بررسی این شاخص به کشورها این کمک را می‌کند تا بتواند هم عامل محور و هم اساساً کارآمد محور باشند. عامل بودن یعنی اقتصاد بسترساز توسعه باشد و کارآمد محور بودن یعنی بهره‌وری درست و مفید اقتصادی در چارچوب چندجانبه‌گرایی که می‌تواند در حوزه سیاست خارجی مدنظر قرار گیرد.

الف) عملکرد قطر در شاخص رقابت‌پذیری جهانی

قطر در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ در شاخص فوق از رتبه بالایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار بوده و با یک پیشرفت پیوسته و مداوم به بهبود رتبه‌ی جهانی خود پرداخته است. این کشور در طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ در بین ۱۴۰ کشور جهان در رتبه ۱۴ است و در منطقه خاورمیانه در رتبه‌ی اول قرار گرفته بود. در بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ هم قطر با یک بهبود نسبی عملکردی جزء بهترین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده است که در زمینه‌هایی مانند: اقتصاد کلان منطقه‌ای، محیط‌زیست، توسعه بازارهای مالی، نوآوری و آموزش در عالی‌ترین رتبه منطقه قرار گرفته است (Miniaoui, 2021: 66). تحلیل و بررسی این شاخص‌ها نشان می‌دهد قدرت اقتصادی قطر همواره بر قدرت رقابت‌پذیری جهانی آنان در نظام بین‌الملل افزوده است و این کشور را به یک قدرت نوظهور منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تبدیل کرده که از توانایی کنشگری و انطباق‌گری بالایی در سطح جهان برخوردار است. شاخص رقابت‌پذیری قطر در طی یک بررسی ده‌ساله از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که پیشرفت چشمگیری در اکثر مؤلفه‌های قدرت رقابت‌پذیری یعنی: اقتصاد کلان، بخش آموزش و سلامت، نهادها و زیرساخت‌ها، بازار و

1 Asset Turnover

2 Mark Capitalization

3 Audience-Orientedness

4 Global Competitive Index(GCI)

5 Global Innovation Index(GII)

کالا، آمادگی‌های فناورانه، پیچیدگی محیط کسب‌وکار، آموزش عالی و... به توسعه معتابه‌ای رسیده و به یک ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی دست پیدا کرده است.

ب) عملکرد قطر در شاخص نوآوری جهانی

شاخص نوآوری جهان به معنای بررسی و سنجش کشورها و روند گذار این جوامع از سنت به مدرنیته است. به بیان دیگر، شاخص نوآوری جهانی باهدف به تصویر کشیدن جنبه‌های نوآوری و تدوین سیاست‌هایی است که در رشد بلندمدت و کارآمد سازی دولت‌ها و همچنین هموارسازی توسعه‌یافتگی آنان اثرگذار است. این شاخص اساساً در پنج محور که شامل محیط نهادی، سرمایه انسانی و تحقیقات، زیرساخت‌های اجتماعی، پیچیدگی بازار و پیچیدگی محیط کسب‌وکار تشکیل می‌شود. به‌طور مثال بخش نهادی، محیط سیاسی و کارآمدی این بخش از زیرمجموعه‌های مهم در هموارسازی مسیر توسعه‌گرایی دولت است که مورد توجه قرار می‌گیرد. در محیط سیاسی به‌نوعی متغیرهایی مانند ثبات و امنیت سیاسی و همچنین اثربخشی حکومت نقش پررنگی را دارا هستند. به‌طور کلی، این شاخص ضمن درک جنبه‌های انسانی در نوآوری به ارتقای توسعه اقتصادی و سیاسی دولت‌ها کمک می‌کند. در بررسی قطر متناسب با این شاخص می‌توان به این نکته اشاره کرد که قطر به دلیل تولید ثروت و قدرت اقتصادی داخلی و همچنین محیط نهادی قدرتمند سیاسی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس از رتبه بسیار بالایی برخوردار است. قطر با بهره‌مندی از حمایت‌های دولتی در توسعه و اجرای سیاست‌های نوآورانه در بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ رتبه ۲۴ جهانی و در سطح منطقه رتبه اول را کسب کرده است (Insed, 2017: 334). رتبه‌ی این کشور در بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ با یک افت محدود از رتبه ۴۳ جهانی به ۴۷ جهانی رسید و در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بعد از امارات متحده عربی در رده دوم قرار دارد (GII, 2013-2017: 374)؛ اما علی‌رغم وجود افت و کاهش همچنان به‌عنوان یک کشوری با موقعیت پیشرفته منطقه‌ای و بین‌المللی است. در آخرین رتبه‌بندی شاخص نوآوری جهانی که در سال ۲۰۲۰ بوده است، رتبه‌ای منطقه‌ای و جهانی قطر علی‌الخصوص در بستر محیط سیاسی ارتقا یافته است؛ به‌طوری‌که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ قطر در شاخص محیط سیاسی که شامل ثبات و امنیت سیاسی، کارآمدی سیستم حکمرانی، حاکمیت قانون، محیط نظارتی می‌شود به رتبه ۴۳ جهانی و یک منطقه رسیده است (GII, 2020: 359). این آمار اساساً بیان‌کننده این نکته است که بستر سیاسی قطر به‌عنوان پیشران موفقیت و کارآمدی اقتصادی

این کشور بوده و در جهت گیری سیاست خارجی انطباق محور خود با نظام بین الملل مؤثر عمل کرده است. از دیگر نقاط و بسترهای توسعه یافتگی قطر مطابق با شاخص نوآوری جهانی که به عنوان یک کشور توسعه یافته دانش بنیان در نظر گرفته می شود، محور سرمایه انسانی و زیرساخت ها است. در همین محور با تأکید بر پیشرفت آموزش عالی، رتبه جهانی قطر در سال ۲۰۲۰ مطابق با آمار در رده ۴۶ جهانی بوده است (WIPO, 2020: 360). اساساً رشد سطح آموزش و تحقیق - توسعه در قطر از جمله پایه های پیشرفت این کشور در نظام بین الملل و سیستم منطقه ای و گذار به دانش بنیان سازی بوده است.

به طور کلی، قطر یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه است که بسترها و چشم اندازهایی برای تبدیل شدن به یک جامعه دانش بنیان را ایجاد کرده است. از نظر چشم انداز ملی ۲۰۳۰ قطر، امنیت انسانی در درجه اول قرار دارد؛ اما دولت قطر این هدف را به عنوان غایت نهایی خود در سیستم منطقه ای و بین المللی در نظر نگرفته است؛ بلکه توجه به توانمندی های محیطی، از جمله اهداف جدید برای قطر است. از جمله محورهای جدید برای توسعه و پیشرفت پیگیری سیاست های مدرنیزاسیون است که ضمن توجه به سنت ها و هنجارهای فرهنگی و حفظ آنان به عنوان بسترهای تأمین نیاز نسل ها، توسعه متوازن فرهنگی - اجتماعی و توسعه مدیریتی می تواند در توسعه یافتگی این کشور مؤثر باشد؛ مانند توسعه کتابخانه ملی قطر و مدرنیزاسیون در حوزه کشاورزی مطابق با روش نوین جهانی یعنی تأکید بر روش هیدروپونیک در کشاورزی که به روزترین متد برای تولید محصولات با کیفیت با کمترین میزان هدر رفت آب است. برای این مهم و حل چالش های پیش رو و تبدیل قطر به یک کشور توسعه گرای دانش محور چهار هدف در سند ۲۰۳۰ قطر ترسیم شده است (GSDP, 2011: 11) که شامل:

الف) توسعه انسانی: یعنی رشد و پیشرفت مردمی که جامعه را قادر سازد تا به یک ملت توسعه خواه تبدیل شوند؛

ب) توسعه اجتماعی: توسعه و رشد جامعه بر اساس استانداردهای اخلاقی که توانایی کنشگری فعالانه جهانی را داشته باشد؛

ج) توسعه اقتصادی: ایجاد یک اقتصاد رقابتی و متنوع که بتواند نیاز همه مردم را تأمین نماید و سطوح زندگی بالایی را برای حال و آینده تأمین گرداند؛

د) توسعه زیست‌محیطی: توازن میان رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک چرخه هماهنگ.

ازجمله برنامه‌های اعلامی دولت قطر برای تنوع‌سازی اقتصادی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ که توسط دبیرخانه عمومی برنامه‌ریزی توسعه قطر بیان شده بود می‌توان به (۱) گسترش صنایع و خدمات برای افزایش ضریب رقابتی جهانی با توجه به صنایع هیدروکربنی مانند توسعه صنایع گازی با همراهی انگلستان، (۲) طراحی فعالیت‌هایی به‌منظور توسعه اقتصادی که قطر در آن تخصص دارد، (۳) تدوین استراتژی‌هایی مبنی بر اقتصاد دانش‌بنیان، کارآفرینی، دولت پاسخگو و کارآمد برای تقویت اقتصاد پسا کربن است. در راستای همین هدف، قطر به تأسیس پارک علم و فناوری در سال ۲۰۱۸ اقدام نمود و هم‌چنین سازمان مناطق آزاد قطر را ایجاد کرد که اساساً مسئولیت توسعه و تنظیم مناطق آزاد را مطابق با استراتژی‌های دولتی پیگیری می‌کرد و در هدف کلان خود این مناطق مانند منطقه «رأس ابوفطاس» به دنبال گسترش همکاری‌ها با کشورهای همسایه و توسعه روابط دریایی بودند. تأسیس پارک‌های علم و فناوری هم مانند مرکز قطر مال در صدد توسعه همکاری‌های مبتنی بر دانش با منطقه و سیستم بین‌المللی هستند و نقطه‌ی آغازین تحول اقتصادی این کشور محسوب می‌شوند. به‌طور کلی این مناطق و نهادها برای جذب سرمایه خارجی، شکل گرفته‌اند تا بستر تحول قطر باشند. از دیگر مؤلفه‌های قدرت آفرین دولت قطر که باعث تعامل بین‌المللی این کشور شده است، شرکت «هوایمایی قطر»^۱ است. این شرکت حمل‌ونقل هوایی به‌عنوان قطب اصلی در جابه‌جایی منطقه‌ای و پیشران تولید ثروت برای دولت قطر محسوب می‌شود. در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ این شرکت توسط موسسه «اسکای ترکس»^۲ به‌عنوان بهترین خط هوایی سال برگزیده شد. اساساً این سازمان به‌عنوان مؤلفه‌ای قدرت‌زا برای توسعه ارتباطات بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده است (Kamrava, 2015: 65). به‌بیان دیگر، ارتباط نهاد‌های داخلی قطر با مؤسسات و نهاد‌های بین‌المللی در شهرهایی مانند: نیویورک، لندن، هنگ‌کنگ، توکیو، پاریس و سنگاپور نشان‌دهنده شبکه‌سازی قطر برای قدرت‌سازی منطقه‌ای – بین‌المللی است تا بتواند در پرتو این قدرت‌سازی متداخل به جذب سرمایه خارجی بپردازد.

1 Qatar Airways
2 Sky Trax

در سال‌های اخیر، دولت قطر به منظور مقابله با تهدیدات و توجه به توصیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استراتژی «قطری سازی داخلی» را پیگیری کرده است. این استراتژی اساساً به معنای تربیت نیروی انسانی داخلی، قدرتمند سازی بخش صنعت و استخدام درصد بالایی از این نیروی انسانی در شرکت‌های دولتی و خصوصی است تا به نوعی دولت بتواند درصد افزایش وابستگی خود را نسبت به کارگران خارجی کاهش دهد. بر اساس چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه دولت که پیشران توسعه یافتگی این کشور در آینده خواهد بود، بخش آموزش (تعلیم و تربیت) است. بخشی که می‌بایست با توجه به اصل کارآمدی و اصل خدمات توسعه‌ای، مدرنیزاسیون، تغییر و توسعه به تربیت نیروی انسانی داخلی پردازد و در جهت برآوردن نیازهای اجتماعی قطر حرکت کند. از جمله اهداف طراحی شده برای سیستم آموزشی قطر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Nawaz and Koc, 2020:80-85):

۱. ارائه برنامه‌های آموزشی که نیاز فعلی و آینده را شناسایی کنند و به بازار کار آینده پاسخ دهد؛
۲. اشاعه فرصت‌های آموزشی مناسب و توسعه آموزش‌های باکیفیت که متناسب با توانایی‌های هر فرد باشد؛
۳. ارائه برنامه‌های آموزشی قابل دسترس برای یادگیری پیوسته و مادام‌العمر؛
۴. بسط برنامه‌های تقویتی در سیستم آموزش عالی به منظور تأمین نیازهای دانشجویان و نسل جوان که مسئول آینده قطر به عنوان نیروی انسانی هستند و در شکل‌یابی اقتصاد دانش‌بنیان و همچنین پیوند میان بخش صنعت و دانشگاه مؤثرند. دولت قطر با همراهی نهادهای دانشگاهی بین‌المللی به منظور ارتقای سیستم آموزشی به عنوان پایه محوری در توسعه یافتگی، تعریف «پروژه‌های آموزشی در دوران جدید»^۱ را طرح‌بندی کرده است. این پروژه به نظام آموزشی قطر این اجازه را می‌دهد ضمن ارتباطات پیوسته با نهادهای آموزشی بین‌المللی، نیازهای سیستم آموزشی - پژوهشی قطر را شناسایی کند و متناسب با آن نیازهای موجود داخلی را برطرف نماید که به نوعی بر مبنای استراتژی تخصصی محور شدن سیستم آموزش است. در کنار این مسئله ساخت «کتابخانه ملی قطر»^۲ به عنوان یک پروژه عظیم آموزشی به ساخت جامعه دانش‌بنیان کمک فراوان کرده است (Wand, 2016: 164). ساخت این کتابخانه در قطر به معنای ساختن شهری در درون

1 Education For a new Era (EFNE)

2 Qatar National Library (QNL)

یک شهر است که با ارائه خدمات حرفه‌ای به مراجعه‌کنندگان دسترسی آزاد و رایگان به بروزترین تحقیقات بین‌المللی به نظام آموزشی فرصت بهبود و ارتقای منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه آموزش و پژوهش داده است.

۱-۱) بنیاد قطر؛ نهادی برای توسعه‌یافتگی بین‌المللی

بنیاد قطر به‌عنوان یک نهاد قدرتمند در مسیر توسعه‌یافتگی متناسب با استراتژی‌های تدوین‌شده حرکت می‌کند. این نهاد در ابتکاری جدید در تلاش برای توسعه اکوسیستم دانش‌بنیان قطر بوده است. بنیاد قطر اساساً بر آموزش، پژوهش‌های علمی و توسعه جامعه‌محور متمرکز بوده و در حوزه‌های فناوری اطلاعات، مطالعات سیاسی و مدیریت رویدادها در قطر به کنشگری می‌پردازد. در هدف نهایی این بنیاد خصوصی توسعه پایدار اجتماعی - سیاسی و رسیدن به یک جامعه دانش‌بنیان به چشم می‌خورد؛ به طوری که اخیراً با تصویب قانون حفاظت از مالکیت معنوی و حق چاپ، قانون ثبت اختراعات و مناطق آزاد این هدف را علنی کرده است. علاوه بر این، بنیاد قطر میزبان هشت پردیس بین‌المللی است که در این کشور استعدادهای خارجی را به‌عنوان یک متغیر در بستر پیشرفت و توسعه به کار گرفته است. در همین جهت دو دانشگاه ملی قطر و سه موسسه تحقیقاتی که در کنار پردیس‌های بین‌المللی وجود دارند و در کنار پارک‌های علم و فناوری به فعالیت لازم برای دولت‌سازی توسعه‌گرا اقدام می‌کنند. به‌طور کلی، این نهاد وظیفه‌ی انباشت ثروت و سرمایه‌گذاری هدفمند در راستای سیاست توسعه‌ای را بر عهده دارد. اساساً در چشم‌انداز بنیاد قطر به‌عنوان یک نهاد تسهیل‌گر در روند توسعه‌گرایی این کشور کمک به دولت‌سازی متعهد و فعال در توسعه به چشم می‌خورد (Ahmed, 2018: 52). به بیان دیگر، استراتژی بنیاد قطر این است که «دانش را از بقیه جهان وارد کن و در عوض آنچه جهان به آن نیاز دارد را صادر کن»؛ و این مهم به‌وسیله بهره‌برداری از بازارهای جهانی و همچنین سرمایه‌گذاری اجتماعی داخلی بر روی مردم، نهادها و زیرساخت‌ها به دست می‌آید. همان‌طور که بیان گردید، قطر از حیث ذخایر هیدروکربنی به‌عنوان یکی از کشورهای ثروتمند جهان شناخته می‌شود؛ اما سرمایه‌گذاری تک‌وجهی در این بخش نمی‌تواند بستر توسعه‌یافتگی منطقه‌ای و بین‌المللی آنان را تأمین گرداند. از سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ آغاز استراتژی‌های دولت دانش‌بنیان به‌عنوان رویکرد جدید این کشور تدوین شد. از سال ۲۰۱۷

قطر دارای شبکه‌ای از شانزده مرکز آموزش عالی که شامل وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و پردیس‌های بین‌المللی بود که اساساً از دانشگاه‌های معتبر جهان هستند و توانسته‌اند ظرفیت لازم برای دولت توسعه‌گرای مبتنی بر دانش را ایجاد کنند. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ هزینه‌های تحقیق و توسعه قطر ۰/۶۱ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است که طبق نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط وزارت برنامه‌ریزی آمار و توسعه با همکاری بنیاد قطر، این کشور به‌عنوان دومین کشور در منطقه خلیج فارس پس از امارات متحده عربی بوده که درصدد تغییر چشم‌اندازهای توسعه‌گرایی خود است (MDPS, Qatar2017). این اقدامات نشان می‌دهد که در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ بیش از ۴۲ درصد از ظرفیت تحقیق و توسعه در این کشور افزایش یافته و در بین ۱۲۷ کشور جهان در رتبه ۴۲ قرار دارد (WIPO, 2020: 376) و در افزایش رتبه جهانی این کشور مؤثر بوده است.

۲. زمینه‌های نهادی - فرهنگی و بسترسازی برای ایجاد یک دولت توسعه‌گرا در قطر

پس از استقلال قطر از بریتانیا در سال ۱۹۷۱ این کشور در تلاش برای توسعه دانش و زیرساخت‌های فرهنگی - نهادی بود که با اولین دانشگاه ملی آموزش - پرورش قطر که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و پس از آن دانشگاه قطر به‌عنوان اولین نهاد دانشگاهی در سطح آموزش عالی در سال ۱۹۷۷ این هدف دنبال شد. در سال ۱۹۵۵ تأسیس بنیاد قطر به‌عنوان یک سازمان غیردولتی نشان‌دهنده تغییر رویکرد قطر در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی بود. اما مهم‌ترین نقطه عطف قطر در تبدیل شدن به یک قدرت مبتنی بر دانش طراحی چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ بوده است. این چشم‌انداز که در سال ۲۰۰۸ تدوین شد یک چارچوب بوروکراتیک قوی برای رسیدن به دولت دانش‌بنیان و توسعه‌گرا است که توان چانه‌زنی بالای بین‌المللی را دارا است. در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ تجزیه و تحلیل جامعه توسط پارک علم و فناوری قطر برای شناسایی نیازهای تحقیقاتی با درجه اهمیت بالا صورت گرفت. در این تجزیه و تحلیل که منجر به تدوین استراتژی تحقیقات ملی قطر شد، مأموریت و هدف نهایی شناسایی شده متوازن‌سازی فعالیت‌های توسعه‌ای در نهادهای دانشگاهی مطابق با سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بوده است. در این فعالیت‌های شناسایی شده اقدامات مؤثر می‌بایست در زمینه‌های امنیت آب، انرژی و امنیت سایبری، اعمال رویکردهای چندجانبه گرا در سیاست‌گذاری خارجی پیش‌بینی شده بود که باید جزء اولویت‌های اساسی دولت قطر باشند (Zweiri, 2021: 156). علاوه بر این، بسیاری از نهادها و مؤسسات باهدف تقویت اقتصاد دانش‌بنیان تحت هدایت بنیاد قطر تأسیس شدند مانند: افتتاح شهر آموزشی در شهر الریان که به‌منظور بهبود سطح آموزش عالی و پیوند این

بخش با صنعت ایجاد شد و اساساً بستر ساز حضور چندین شعبه از دانشگاه‌های بین‌المللی گردید. تأسیس این چنین نهادهایی بر قدرت و شهرت قطر در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی افزوده است و یک پل ارتباطی میان قطر و نظام بین‌الملل است.

در برنامه هفت‌ساله دولت قطر از سال ۲۰۲۰-۲۰۱۳ هفت حوزه تحقیقاتی مهم شناسایی شده است. بنیاد قطر با همکاری همه نهادها و مؤسسات داخلی با توجه به این هفت حوزه، ایجاد یک دولت توسعه‌گرای نوظهور منطقه‌ای - بین‌المللی مدنظر قرار داده است که شامل: (۱) توجه به قابلیت‌های اقتصادی (توسعه نیروی کار داخلی، استخدام نیروها در بخش‌های دولتی و غیردولتی، جذب سرمایه خارجی)، (۲) توجه به حوزه انرژی و محیط‌زیست (نگاه مؤثر به انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری بالا در انرژی، پایداری در محیط‌زیست)، (۳) حوزه فناوری اطلاعات و فناوری (توجه به فناوری‌های مدرن، امنیت سایبری، بیوانفورماتیک و...)، (۴) علوم بهداشتی و مسئله زندگی (تشخیص، درمان، پیشگیری، مراقبت‌های بهداشتی)، (۵) توجه به علوم اجتماعی، هنر و علوم انسانی برای رفاه اجتماعی، (۶) کارآفرینی و تجاری‌سازی، (۷) تعامل فعال جهانی (مشارکت، افزایش ارتباطات در منطقه و جهان، اعمال سیاست خارجی انطباق‌گرا) است. به‌طور کلی، در قطر اساساً اکوسیستم ارتباطی - دولتی بر مبنای دانش و ترویج نوآوری از طریق پروژه‌های تحقیقاتی که توسط جامعه دانشگاهی صورت می‌گیرد شکل گرفته است (Vohra, 2019)؛ اما در کنار آن بنیاد قطر هم فرهنگ خلاقیت، تعالی و توسعه‌گرایی را در جامعه توسعه داده است. موسسه بنیاد قطر به‌عنوان سرپرست تلاش‌های این کشور در تحقیق و توسعه فرهنگ علم و فناوری بوده است. این بنیاد در تمام مأموریت‌های خود در تلاش بوده؛ تا قطر را از یک اقتصاد هیدروکربنی به یک اقتصاد رقابتی متنوع مبتنی بر دانش تغییر دهد. علاوه بر این، این بنیاد با ایجاد شهر آموزشی که شامل چندین شعبه از کالج‌ها و دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی است مانند: کالج مهندسی تگزاس، دانشگاه خدمات خارجی جرج تاون، مدرسه بازرگانی کارنگی ملون، دانشگاه پزشکی ویل کرنل و... که همگی در خدمت توسعه پایدار دانش‌محور قطر شکل گرفته‌اند. بسیاری از این مؤسسات با عطف به همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی موجب قدرت‌سازی این کشور در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت نوظهور مطرح شده‌اند؛ مانند «موسسه تحقیقات و محاسبات قطر»^۱ که اساساً هدف این موسسه دولتی مقابله با چالش‌های محاسباتی در مقیاس‌های بزرگ جهانی است (QCRI, 2017a).

هسته مرکزی این نهاد توجه به فناوری، زبان عربی، محاسبات اجتماعی، تجزیه تحلیل داده‌های اقتصادی، توجه به سیستم‌های توزیع‌کننده، امنیت سایبری و علوم مهندسی است. اساساً این نهاد با سازمان‌های بین‌المللی مانند بوئینگ، بانک جهانی، مایکروسافت و گوگل در همکاری‌های دوجانبه قرار دارد و در ظرفیت‌سازی برای پذیرش جهانی این کشور عمل می‌کند. این موسسه همکاری نزدیک با نهادهایی مانند مرکز نوآوری قطر و پارک‌های علم و فناوری دارد که درصدد تجاری‌سازی اقدامات تحقیقی خود است. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ این نهاد در مجموع ۱۴۰ اقدام تحقیقی خود در بیش از ۳۵ نشریه معتبر بین‌المللی، ۳۵ نرم‌افزار کاربردی و ۷۳ ثبت اختراع در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا را به سرانجام رساند و به‌عنوان یک نهاد اثرگذار داخلی در سطح بین‌المللی بر ضریب نفوذ دولت قطر در سیستم جهانی افزود و به‌عنوان پیشران قدرت ساز عمل کرده است. از دیگر مؤسسات و نهادهای قدرت ساز قطر می‌توان به موسسه تحقیقات مربوط به محیط‌زیست و انرژی قطر نام برد. این موسسه که در شهر الریان مستقر شده است؛ همواره به دلیل همسویی تحقیقات خود با اهداف صنعتی و دولتی در توسعه برنامه‌های کاربردی نقش حیاتی را ایفا می‌کند. این نهاد مجهز به آزمایشگاه، مانیتورینگ پیشرفته خورشیدی و ایستگاه پایش کیفیت هوا است و امکانات مدرنی را باهدف افزایش پایداری و نوآوری در اختیار محققان قرار می‌دهد. به‌طور هم‌زمان این موسسه با نهادهای دانشگاهی داخلی یعنی دانشگاه ملی قطر، شعبه‌های بین‌المللی دانشگاه A&M تگزاس، دانشگاه در کسل ایالات متحده آمریکا و همچنین دانشگاه هانیانگ کره جنوبی همکاری‌های چندجانبه دارد. شرکای بین‌المللی این نهاد مرکز رایانه‌ای سوئیس، مدرسه تحقیقاتی آب و هوایی پوتسدام و موسسه ملی علوم مواد در ژاپن می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، پیوندهای چندجانبه و دوجانبه و خوشه‌ای این نهاد با مؤسسات دانشگاهی و صنعتی منطقه‌ای و بین‌المللی ظرفیت توسعه‌گرایی قطر را ارتقا بخشیده است و به‌نوعی نهادی در خدمت توسعه برای قطر محسوب می‌شود.

به‌طور کلی اقدامات صورت گرفته در قطر برای ایجاد یک دولت توسعه‌گرای مبتنی بر دانش به شرح زیر است (Kaklauskas, et al, 2018: 43):

۱. خوشه‌بندی بازیگران نوآور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور برقراری روابط متوازن با آنان در پرتو یک سیاست خارجی فعال و انطباق‌گر؛
۲. توسعه رژیم‌های مالکیت معنوی؛

۳. تعریف پروژه‌های کارآفرینی در شرکت‌های کوچک و متوسط به منظور ارتقای بازدهی کارآفرینی و برقراری پیوند میان آنان و نهادهای بین‌المللی؛

۴. ایجاد تقاضا در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به محصولات و خدمات نوآورانه قطر. اساساً قطر از جمله کشورهایی است که در حال گذار راهبردی در حوزه اقتصاد است؛ گذاری که در پی رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان است. بنابراین توجه به سیستم‌های نوآورانه، گسترش سریع زیرساخت‌های تحقیق و توسعه، ترویج مکانیسم‌های همکاری چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، ارتباط مؤثر میان صنعت، دولت و دانشگاه از جمله رویکردهای تنوع ساز در اقتصاد قطر است. دولت قطر به منظور بهبود اکوسیستم ارتباطی میان صنعت و دانشگاه و بسترسازی برای توسعه‌یافتگی سه مسیر راهبردی را تدوین کرده است (QU,2018: 16) که شامل: (۱) آگاهی و درک نسبت به مکانیسم ارتباطی میان دولت، صنعت و دانشگاه، (۲) بررسی نقاط ضعف میان این سه بخش در قطر و تلاش برای حل این معضلات، (۳) افزایش ضریب امنیت داخلی به منظور امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و همسویی آن با جذب سرمایه خارجی در پرتو یک دیپلماسی اقتصادی فعال و متوازن است. برای وضعیت بررسی توسعه یک کشور و راه تبدیل شدن آن به یک دولت دانش‌بنیان سه شاخص کمی پذیرفته‌شده است که شامل: (۱) شاخص توسعه انسانی (HDI)؛ (۲) شاخص توسعه فناورانه (IDI) و (۳) شاخص آگاهی شبکه‌ای (NRI) است. در جدول زیر این شاخص در ارتباط با قطر به کار گرفته شده است که در میزان سطح توسعه‌یافتگی این کشور مؤثر است.

جدول ۱. وضعیت کشورهای عربی خلیج فارس در شاخص‌های توسعه انسانی، فناورانه و آگاهی شبکه‌ای

کشور	HDI(2014-2018)	رتبه	IDI(2015-2019)	رتبه	NRI(2016-2020)	رتبه
قطر	۰/۸۸	۳۲	۷/۴۸	۳۱	۵/۲۹	۲۷
امارات متحده‌ی عربی	۰/۸۴	۴۱	۷/۳۳	۳۲	۵/۳۳	۲۶
بحرین	۰/۸۲	۴۵	۷/۶۳	۲۷	۵/۱۰	۲۸
عربستان سعودی	۰/۸۴	۳۹	۷/۰۵	۳۳	۴/۸۰	۲۳
کویت	۰/۸۲	۴۸	۶/۸۳	۴۶	۴/۲۰	۶۱
عمان	۰/۷۹	۵۲	۶/۳۳	۵۴	۴/۳۰	۵۲
کل خلیج فارس	۰/۶۹	-	۵/۱۰	-	-	-
جهان	۰/۷۱	-	۵/۰۳	-	-	-

منبع: (Ballar at al. (2014-2018), Itu (2015- 2019), UNDP (2016-2020)

با نگاهی به ارزش شاخص توسعه انسانی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ اکثر کشورهای عربی خلیج فارس که در جدول آمده‌اند از توسعه انسانی مطلوبی برخوردار هستند. به طور مثال قطر با ارزش ۰/۸۸ در رتبه ۳۲ که در مقایسه با ۱۸۷ کشور جهان جایگاه بالایی را دارا است. میانگین ارزش منطقه (۰/۶۹) و جهان (۰/۷۱) است که همچنان ارزش و میانگین قطر نسبت به این آمار بالاتر است؛ به همین دلیل این کشور همواره از سطح توسعه مطلوبی برخوردار است. نتایج شاخص IDI که وضعیت فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار می‌دهد و معیار اندازه‌گیری یک جامعه اطلاعاتی است شامل (پهنای باند اینترنت، دسترسی‌های آنلاین و...) می‌شود. قطر در بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۵ آمار متفاوتی را دارا است. در این آمار قطر با ۷.۴۸ در رتبه ۳۱ قرار گرفته؛ به طوری که این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه یعنی امارات متحده عربی در رتبه‌ی دوم قرار گرفته است. قطر در زمینه دسترسی به فناوری اطلاعات و استفاده از یک جامعه اطلاعاتی بهترین عملکرد را داشته است. فقط در این بین، کشور بحرین با ۷.۶۳ و رتبه ۲۷ در مقایسه با قطر جایگاه بهتری را داشته است. در شاخص آمادگی شبکه که هدف آن سنجش رقابت‌پذیری ملل جهان و همچنین قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی آنان است؛ شامل قدرت زیرساختی و قدرت فناوری اطلاعات است. قطر متناسب با این شاخص در سطح منطقه پس از امارات متحده عربی در رتبه ۲۷ جهانی با ارزش ۵.۲۰ و در سطح منطقه در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در این شاخص به طور کلی، تأثیرات بازارهای مالی - اقتصادی و قدرت سرمایه‌گذاری خارجی محاسبه می‌شود. ارزیابی کلی همه شاخص‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس نشان می‌دهد که در بین این کشورها قطر بهترین عملکرد را دارد. نتیجه کلی این آمار بیان می‌دارد که توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک ستون فناورانه در ظهور یک اقتصاد دانش‌بنیان و دولت توسعه‌گرا مؤثر است. اساساً توسعه یک جامعه اطلاعاتی و شبکه‌سازی برای افزایش سطح توسعه فناوری از جمله اقدامات کشورهایی مانند قطر بوده است که توانسته‌اند بسترسازی لازم را برای ایجاد یک دولت توسعه‌گرای مدرن ایجاد نمایند.

۳. فاز انبساطی قطر در چرخه‌ی اقتصادی؛ سیستم‌سازی برای توسعه اقتصادی

دانش‌محور در پرتو سیاست خارجی فعال

دولت‌ها در نظام بین‌الملل از حیث ژئوپلیتیک خود درصد تعریف حوزه‌های کنشگری برای بقا، رشد و توسعه خود هستند. بسیاری از دولت‌ها با توجه به دارایی‌های اقتصادی که در

اختیار دارند مانند منابع طبیعی (نفت و گاز) از این نقطه عطف خود به‌منظور توسعه بهره‌برداری می‌کنند به‌مانند آنچه قطر در حال انجام دادن آن است. به گفته «فلوریدا»^۱ توسعه اقتصادی معطوف به خلاقیت و نوآوری محصول عواملی مانند: (۱) فناوری، (۲) استعداد و تحمل است. حضور فناوری‌های پیشرفته در یک کشور همواره می‌تواند در بروز استعداد و خلاقیت اجتماعی دولت و جامعه مؤثر باشد و موجب تنوع‌بخشی در حوزه اقتصاد گردد و در این منطبق تحمل یعنی بلندمدت‌نگریستن در قالب طرح‌های توسعه‌ای (Florida, 2019: 135). اساساً برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی این مسئله مهم است که به اجتماع این فرصت داده شود تا در حوزه عمومی ارتباطات خود را گسترش دهند و بستر ساز مبادله‌ی اطلاعاتی باشند. چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر این امر را ثابت کرده است که برای دستیابی به توسعه اقتصادی دانش‌بنیان وجود یک دولت قوی ضروری است؛ دولتی که بتواند همسو با دیگر بخش‌های جامعه علی‌الخصوص صنعت و آموزش حرکت کند و در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی هم‌کنشگری هوشمندانه‌ای داشته باشد. در جهت تحقق این هدف قطر همان‌طور که بیان شد شهرهای آموزشی، پارک‌های علم و فناوری، نهادسازی‌هایی با رویکرد بین‌الملل‌گرایی را در پیش گرفته است تا سیستم‌سازی لازم برای توسعه اقتصادی را به سرانجام برساند. قطر به‌واسطه تولید ثروتی که از اقتصاد سیاسی نفت و گاز به دست آورده است، از این فرصت در جهت فاز انبساطی قدرت استفاده کرده است. به‌بیان‌دیگر، چنین سیستمی در حوزه منطقه‌ای به‌عنوان یک قدرت نوپدید و نوظهور مطرح می‌شود و در عرصه بین‌المللی هم سیاست همکاری را در پیش می‌گیرد که نهایتاً سطح توسعه اقتصادی و سیاسی را هم‌زمان افزایش می‌دهد. به‌طوری‌که، کنشگری قطر در نظم منطقه‌ای و تلاش برای اتحاد سازی با کشورهایمانند ترکیه و امارات و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در اروپا و شرق آسیا نمونه‌هایی از فاز انبساطی اقتصادی این کشور است (Gremm, 2018: 81). از جمله اقدامات قطر که می‌توان از آن به‌عنوان توسعه فاز انبساطی اقتصاد یاد کرد توسعه و ارتقای سطح روابط دوجانبه قطر با کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود است. تأسیس انجمن دوستی قطر با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ بر این نکته مهم اشاره دارد که اتحادیه اروپا شریک تجاری بالقوه قطر است. در بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ رشد تجارت اقتصادی از ۳۸ میلیارد دلار به ۱۴۵ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ رسید و اتحادیه اروپا به دومین شریک تجاری بزرگ برای قطر تبدیل شد و رشد تجارت آنان از ۱۲/۳ درصد به ۱۷/۸ درصد در سال ۲۰۲۰ نشان از

1 Florida

بین‌المللی شدن اقتصاد قطر و توسعه فاز انبساطی اقتصادی این کشور در مسیر توسعه یافتگی است. برای کشورهای کوچک در نظام بین‌الملل واجب است تا به منظور افزایش سطح اقتصادی و سیاسی خود در نظام جهانی و دستیابی به رقابت‌پذیری و توسعه پایدار به سمت کارآمد سازی حکمرانی حرکت کنند. این موضوع اساساً نیازمند آن است که کشورها به تقویت چارچوب‌های نهادی، تحکیم و توجه به قوانین بین‌المللی و اعمال یک سیاست خارجی تنش‌زدا و فعال را مدنظر داشته باشند. بر همین اساس، قطر در برخی از زمینه‌ها پیشرفت‌هایی را داشته است؛ به طوری که صندوق بین‌المللی پول، این کشور را در شاخص‌های شفافیت به عنوان یک دولت خوب معرفی کرده و در گزارش چهارم خود در مورد مدیریت نظام اقتصادی قطر در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به عنوان یک نمونه موفق این کشور را ارزیابی شده است. همچنین در گزارش سال ۲۰۲۰ کمیسیون اتحادیه اروپا قطر از جمله شرکای استراتژیک این اتحادیه در زمینه روابط سیاسی محسوب می‌شود مهم‌ترین اهداف ترسیم‌شده میان قطر و اتحادیه اروپا شامل: (۱) گسترش همکاری‌ها به منظور تقویت ثبات در منطقه، (۲) تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی، (۳) گسترش همکاری‌های اقتصادی و فنی، (۴) افزایش و ارتقای روابط در زمینه‌های انرژی، صنعت، تجارت، خدمات، سرمایه‌گذاری است (European Commission, 2020). کلیدی‌ترین استراتژی تنوع‌بخشی اقتصادی - سیاسی قطر، سیاست‌گذاری بر مبنای رویکرد اروپا محوری است. برای مثال در سال ۲۰۰۹ سازمان سرمایه‌گذاری قطر به منظور کمک به کارخانه کشتی‌سازی لهستان و گسترش سطح همکاری‌های میان این دو کشور که نشان‌دهنده رویکرد بین‌الملل‌گرایی این کشور نسبت به مناسبات بین‌المللی است در صدد گسترش ارتباطات اروپایی خود بوده است (آدمی و انصاری، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۴). وجه دیگر این استراتژی اعمالی قطر رسیدن به توسعه پایدار با عطف به وارد کردن فناوری‌های نوین به داخل است که این مسئله باعث افزایش سطح توسعه انسانی و توسعه اجتماعی شده است و یا در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ توسعه روابط قطر و نروژ در زمینه رشد دانش خلاق، فناوریانه، دستیابی به سیستم‌های کشاورزی نوین و متحول سازی اقتصاد انرژی صورت گرفته است که ظرفیت قدرت بین‌المللی این کشور را افزایش داده است.

۴. سیاست خارجی انطباق‌گرا و کنش‌پذیر؛ مدل کنشگری قطر در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی

رهبران دولت قطر تغییرات متنوع در نظام بین‌الملل را ناشی از انطباق نیازهای ملی خود و تعادل با تغییرات محیطی که شامل محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است تعریف می‌کنند. رویکردی که به نوعی سیاست‌گذاری مطلوب برای توانمندسازی اجتماعی-سیاسی و اقتصادی در راستای تحقق اهداف کلان دولتی یعنی رسیدن به یک قدرت برتر منطقه‌ای و بازیگر اثرگذار جهانی است (شیرازی، ۱۴۰۰: ۳۹-۳۶). سیاست خارجی انطباق‌گرا در مدل قطری آن بدین معنا است که در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بایست کنشگری فعالی را انتخاب نمایند تا به عنوان یک دولت فعال، ضریب نفوذ خود را در منطقه و جهان افزایش دهند. سیاست خارجی انطباق‌گرای دولت قطر یعنی همسازی از طریق گزینش سیاست‌های همراهی‌شونده که در این حالت دولت‌های کوچکی مانند این کشور با توجه به حساسیت‌های بین‌المللی و تنش‌های محیط منطقه‌ای به ظرفیت‌سازی برای همکاری جهانی با قدرت‌های بزرگ مانند: آمریکا، انگلستان، آلمان و... روی می‌آورد تا در پرتو چنین سیاستی به جذب سرمایه خارجی برای تولید ثروت و افزایش قدرت اقتصادی دانش‌محور اقدام نماید (Fromherz, 2020: 166). در رهیافت‌های سیاست خارجی دولت قطر به عنوان مدل انطباقی این ایده مطرح است که همکاری‌های بلندمدت از طریق فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی منجر به این می‌شود که دولت‌های کوچک در سیستم بین‌المللی از قدرت «تعیین‌کنندگی»^۱ برخوردار شوند که توان چانه‌زنی بین‌المللی را پیدا می‌کنند، سیاستی که معروف به راهبرد چندجانبه‌گرایی متوازن است. به بیان دیگر، قطر با استفاده از این سیاست تعاملات گسترده‌ای با آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه در اروپا، ترکیه در منطقه خاورمیانه، کره جنوبی، ژاپن در شرق آسیا دارد که نشان از چندجانبه‌گرایی‌های دولتی و یا در قالب‌های نهاد گرایانه مانند: شرکت هواپیمایی قطر، بنیاد قطر، صندوق تحقیقات ملی قطر و... که در قدرت‌سازی منطقه‌ای و حتی بین‌المللی این کشور نقش مؤثر دارد و در پرتو سیاست خارجی انطباق‌گر کنش‌پذیر عمل می‌نماید. به طور کلی، سیاست خارجی قطر از دهه ۲۰۰۰ میلادی دچار شیفت پارادایمی بر مبنای کنشگری فعال انطباق‌محور با ارزش‌های بین‌المللی گردید. در این سیاست اولویت و هدف قطر، تبدیل شدن به هاب منطقه‌ای به عنوان یک بازیگر میانجی و تأثیر چنین سیاستی برای تعیین قدرت بین‌المللی بوده است که چنین

¹Determinant Power

مدلی، الگوی مدیریت نظم سیستمی در منطقه پر آشوب است. مدیریت نظم منطقه‌ای قطر در خاورمیانه و خلیج فارس همواره مورد بحث نهادهای دانشگاهی و سیاسی بوده است؛ به طوری که الگوی این کشور در قالب مدل «نظم سازی چند سطحی»^۱ است. در سطح اول قطر به دنبال مدیریت نظم در قالب الگوی وستفالیایی و رئالیستی عمل می‌کند (Baskan, 2016: 43-51). در این سطح دولت قطر به عنوان عامل، در صدد افزایش سطح پیوندهای همه‌جانبه امنیتی، سیاسی، اقتصادی با کشورهای منطقه یعنی ترکیه، امارات، ایران و... است که به نوعی الگوی نظم سازی تجمعی منطقه‌ای است. در سطح دوم قطر با اعمال الگوی پلورالیستی نظم به کشگری می‌پردازد؛ بدین معنا که با موفقیت نسبی در سطح اول الگوهای جدیدی را برای ائتلاف، اتحاد و اعمال سیاست‌های انطباقی در فرا منطقه با کشورها و نهادهایی مانند: اتحادیه اروپا، آمریکا، بریتانیا اقدام می‌کند. به طور مثال، استفاده از دیپلماسی صلح و میانجی‌گری در منطقه مانند: تبدیل شدن به حافظ منافع آمریکا در افغانستان در سال ۲۰۲۱، تلاش برای میانجی‌گری میان اردوغان و بن سلمان، بستر سازی برای میانجی‌گری میان عربستان و یمن در خصوص پایان بحران یمن و همچنین تلاش برای حل بحران لبنان در سال میلادی پیش رو از جمله اقدامات قطر به منظور انطباق محیطی در سطح منطقه‌ای است که هدف کلان این راهبرد افزایش قدرت یابی و برند شدن به عنوان یک دولت صلح ساز و خواهان نظم است. اساساً چنین رویکردی در سیاست خارجی دو ویژگی بسیار مهم را دارا است که شامل: (۱) توانایی در متنوع سازی رویکردی در نظام بین‌الملل و سیستم منطقه‌ای و (۲) متناسب سازی الگوهای رفتاری با عطف به تغییرات بین‌المللی (Nechansky, 2010: 56). در ادبیات سیستمی سیاست خارجی انطباق‌گرای قطر بر مبنای خوانش سامانه‌محور-اسپوکی است؛ به این معنا که کارگزار یعنی (دولت، نهادها، مؤسسات) در سیستم منطقه‌ای خود دو رویکرد را برای متنوع سازی سیاست خارجی در پیش می‌گیرد که شامل: (۱) ایجاد موازنه درون سیستمی یعنی حل تعارضات داخلی و خنثی سازی چالش‌ها و (۲) تغییر رفتار خود به منظور همنوایی و همگرایی منطقه‌ای در جهت ائتلاف سازی‌های پایدار است.

۴-۱) دیپلماسی نیچه‌ای، انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل و الگوی توسعه‌ی قطر
 دیپلماسی نیچه‌ای به کشورهای کوچک نظام‌بین‌الملل کمک می‌کند تا با تمرکز بر منابع
 خود در حوزه‌هایی خاص مانند: اقتصاد به نتایج باثباتی در سیستم منطقه‌ای و جهانی دست
 یابند. به همین دلیل، کشورهایمانند قطر در منطقه خلیج فارس به دلیل نداشتن منابع کافی
 جهت ساخت ژئوپلیتیک قدرت خود به استفاده از دیپلماسی نیچه‌ای روی می‌آورند. این
 رویکرد بدین معنا است که کشورهای کوچک با تمرکز بر حوزه‌هایی که دارای مزیت
 هستند به سرمایه‌گذاری می‌پردازند تا به منزلت ملی دست پیدا کنند. منزلت‌سازی ملی در
 دیپلماسی نیچه‌ای یعنی از یک کشور در ساختار بین‌الملل تصویری ایجاد گردد که بر قدرت
 کنشگری آنان بیفزاید. قطر از دهه ۲۰۰۰ با تدوین استراتژی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا
 با تأکید بر نگاه بین‌الملل‌گرایی در پی قدرت‌سازی و کسب پرستیژ و مشروعیت بوده است
 تا در پرتو چنین رویکردی که به معنای قدرت ظریف^۱ است (Evren et al, 2016: 347)
 به سوی انطباق‌پذیری با محیط جهانی حرکت کند. اساساً توجه به عوامل نرم‌افزاری قدرت
 از جمله عوامل توسعه‌یافتگی قطر و گذار به رویکرد دانش‌بنیان‌سازی دولت - ملت بوده
 است مسئله‌ای که، قدرت‌یابی در حوزه‌های دارای مزیت را تابعی از قدرت و نفوذ می‌داند
 (اصغری‌ثانی و رنجکش، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۰). به بیان دیگر، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری
 بین‌المللی و «تجاری‌سازی فرهنگی»^۲ قطر به واسطه رویدادهایی مانند میزبانی جام جهانی
 ۲۰۲۲ و بهره‌برداری از قدرت رسانه‌ای «الجزیره» از جمله اقدامات قطر در حوزه دیپلماسی
 نیچه‌ای بوده است؛ به طوری که سرمایه‌گذاری‌های فراوان این کشور در کشورهایمانند:
 بریتانیا، فرانسه، آمریکا، نروژ، اتحادیه اروپا در قالب استراتژی جهان‌گرایی قدرت‌ساز معنا
 شده است. الگوهای سرمایه‌گذارانه اقتصادی قطر در آمریکای شمالی، اروپا و روابط فزاینده
 با قدرت‌هایی مانند: چین، بیان‌کننده چنین رویکردی در استراتژی‌های سیاست خارجی قطر
 است که در راستای توسعه‌گرایی دانش‌محور در دو سطح دولتی و نهادی است. مکانیسم
 اصلی تنوع‌سازی در اقتصاد و پیشران مؤثر در ظهور اقتصاد دانش‌بنیان در قطر، «مرکز
 سرمایه‌گذاری قطر»^۳ است. این مجموعه که در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد، باهدف استفاده از
 درآمدهای حاصل از منابع هیدروکربنی برای سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای یک دیپلماسی
 اقتصادی فعال جهانی عمل کرده است که در بازارهای سرمایه‌گذاری جهانی در کشورهای

1 Subtel Power

2 Commodification

3 Qatar Investment Authority(QIA)

مانند: آمریکا، اروپا و آسیا - اقیانوسیه به کنشگری می‌پردازد و در کنار تولید ثروت به تولید قدرت برای قطر اقدام می‌کند و به‌عنوان یک نهاد اثرگذار در عرصه سیاست خارجی حضور مؤثر دارد. این شرکت در شمار زیادی از شرکت‌های چندملیتی در صنایع مختلف که شامل: گروه فولکس‌واگن (۱۵/۶٪)، بارکیلز (۶/۶۵٪)، گلنکور (۸/۴۲٪)، گروه ایرباس (۶٪)، باشگاه فوتبال پاریس سن ژرمن (۱۰۰٪) و... است سهام قابل توجهی را دارا است که به‌نوعی حضور در این بازارهای باارزش جهانی نشان از قدرت ظریف این کشور برای قدرت‌سازی شبکه‌ای دارد (Krieg, 2019: 71-78). اساساً تحلیل قدرت سرمایه‌گذارانه قطر در قالب استراتژی‌های سیاست خارجی انطباق‌گر مفصل‌بندی می‌شود و در قدرت مانور بین‌المللی آنان مؤثر است و بر ضریب امنیت اقتصادی، ژئوپلیتیک و سیاسی این کشور می‌افزاید.

۴-۲) قدرت‌سازی شبکه‌ای قطر در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی

اعتبار و نفوذی که قطر در سال‌های اخیر به دست آورده است، نتیجه مستقیم توانایی این کشور در استفاده از توانایی‌های اقتصادی است که در تنوع‌سازی رویکردی آنان مؤثر بوده است، تنوعی که درصدد براندازی، تجاری‌سازی و نمایش این کشور در ویرتین جهانی بوده است و به‌عنوان یک قدرت نوظهور و توسعه‌گرا مطرح شده است. قدرت‌سازی شبکه‌ای قطر در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی خود پیگیری کرده است؛ به این کشور اجازه داده است تا از ابزارهای متعدد قدرت در سطوح به‌منظور تأمین منافع استراتژیک خود بهره‌برداری نماید. قدرت‌سازی شبکه‌ای اساساً یعنی استفاده از ابزارهای متعدد در همه بخش‌ها و استفاده از آن برای اهداف چندبعدی که درصدد براندازی و موقعیت‌یابی جهانی قطر است. قدرت‌سازی متداخل در یک سطح به‌عنوان یک عامل درصدد تعامل است تا بتواند کنشگری انطباقی فعالی را به‌منظور قدرت‌سازی پیگیری نماید و این مسیر می‌تواند با استفاده از سیاست‌هایی مانند چندجانبه‌گرایی متوازن و سرمایه‌گذاری خارجی باشد. با توجه به مفهوم قدرت متداخل یک بازیگر با استفاده از استراتژی‌های متنوع درصدد تأمین منافع استراتژیک خود است و در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به کنشگری می‌پردازد و بر ضریب نفوذ خود می‌افزاید. نیروی‌های ژرف‌شکل‌دهنده به قدرت‌سازی متداخل شامل: مداخلات نظامی، توافق‌نامه‌های امنیتی، معاملات تسلیحاتی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، سیاست خارجی فعال و توجه به اثرگذاری رسانه‌ها، سیستم‌های آموزشی، همکاری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و... می‌شود. بستر قدرت شبکه‌ای و متداخل می‌تواند شامل سه سطح راهبردی: (۱)

داخلی، ۲) منطقه‌ای و ۳) بین‌المللی باشد که دربرگیرنده‌ی قدرت‌سازی داخلی درزمینه توسعه نهادها و اشاعه رفتاری آنان به منطقه و جهان است. مکانیسم اعمالی قدرت‌سازی شبکه‌ای-متداخل که دولت‌ها از آن در روابط منطقه‌ای و جهانی خود به‌منظور موقعیت‌یابی بین‌المللی استفاده می‌کنند، دیپلماسی عمومی فعال است (Khatib, 2019: 159). اساساً دیپلماسی فعال چه در بُعد منطقه‌ای و چه بین‌المللی ضمن جذابیت و برندسازی تأثیر بسزایی در قدرت‌سازی متداخل دارد که می‌تواند هموارکننده توسعه‌یافتگی یک دولت در سیستم بین‌المللی باشد. قطر با پیاده‌سازی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های آموزشی، رسانه‌ای، ورزشی، خطوط هوایی، دیپلماسی میانجی‌گر و کمک‌های بشردوستانه توانسته است با استفاده از منابع خود برای برندسازی ملی و برندینگ سیاست خارجی خود بهره‌برداری نمایند و به‌عنوان یک بازیگر مؤثر و فعال منطقه‌ای و بین‌المللی به کنشگری پردازد. قطر با استفاده هم‌زمان از قدرت نرم و سخت در نوع جدید خود یعنی قدرت‌سازی ظریف برای توسعه بین‌المللی بهره‌برداری کرده است مانند: تشکیل اوپک‌گازی توسط قطر برای همگرایی بیشتر در حوزه اقتصاد سیاسی انرژی، سرمایه‌گذاری ۲/۷ میلیارد دلاری و خرید سهام شرکت «روسنفت» روسیه، تشکیل «شورای تجارت سنگاپور-قطر»^۱ برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی، محیط‌زیست، برنامه‌ریزی شهری، حکمرانی الکترونیک و دیجیتال‌سازی سیستم سیاسی، توسعه روابط با بلژیک در زمینه مدیریت و حکمرانی شهری، توسعه نهادهای دانشگاهی مانند تغییرات در سرفصل‌های آموزشی دانشگاه ملی قطر، توافقنامه‌های همکاری میان دانشگاه هاسلت با سازمان حمل‌ونقل و ترافیک قطر برای استفاده از وسایل حمل‌ونقل برقی و توسعه برنامه‌ریزی تحقیقی در سطح دانشگاهی برای هموارسازی مسیر گذار به اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه اقتصادی پایدار، مدیریت شهری، ارتقای سطح گردشگری و... از جمله بسترهای قدرت‌سازی قطر در سطح جهانی است (کامروا، ۱۳۹۶: ۱۱۸-۱۲۱). به‌طور کلی، الگوی کنش انطباقی و قدرت‌سازی متداخل قطر در نظام بین‌الملل به معنای سیاست بهینه‌سازی ارتباطی یعنی حفاظت از روابط راهبردی با قدرت‌های نظام بین‌الملل و ایفای یک نقش میانجی در سیستم منطقه‌ای و بازنمایی یک بازیگر بی‌طرف در صحنه جهانی است که اساساً این سیاست و رهیافت در قالب راهبرد عملیاتی با قابلیت جهندگی است که به قطر این فرصت را می‌دهد که به کسب پرستیژ و افزایش اعتبار جهانی اقدام کند.

نتیجه‌گیری

پس از تغییر کلان روندها در نظام بین‌الملل، تغییر رویکردهای اقتصادی در کشورهای جهان به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌پذیر مطرح شده است؛ تغییراتی که اساساً ضمن حفظ منافع کشورها می‌بایست در افزایش قدرت بین‌المللی آنان مؤثر باشد. بر همین اساس گذار به یک اقتصاد متنوع که دربرگیرنده سطوحی از دانش باشد اهمیت پیدا کرده است، به‌ویژه برای کشورهایی که دارای اقتصادهای تک‌محصولی هستند. بنابراین اقتصاد دانش‌بنیان یعنی اقتصادی که توانایی تأثیرگذاری بین‌المللی به‌منظور تولید ثروت از دریچه مهندسی خلاق به‌عنوان مسیر توسعه‌یافتگی و ساخت دولت توسعه‌گرا مطرح شده است. ازجمله کشورهایی که چنین رویکردی را دنبال کرده، قطر است. قطر به‌عنوان یک دولت کوچک با جاه‌طلبی‌های بزرگ بین‌المللی برای متنوع‌سازی اقتصادی خود و تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای و قدرت نوظهور جهانی چنین رویکردی را دنبال کرده و این رهیافت هموارکننده مسیر توسعه‌یافتگی قطر بوده که متناسب با چشم‌انداز ۲۰۳۰ ترسیم شده است. رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان قطر در کنار تولید ثروت در حوزه اقتصاد، شامل کنشگری سیاسی در سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی هم است. اکوسیستم توسعه‌گرایی قطر به دنبال این مسئله است که برای رسیدن به توسعه پایدار و قدرت بین‌المللی می‌بایست هم در سطح منطقه‌ای و هم جهانی دو الگوی راهبردی را دارا بود که شامل (۱) الگوی کنشگری دولتی که اساساً دولت قطر به‌عنوان عاملیت معطوف به تأمین منافع با دیگر دولت‌ها ارتباطات را گسترش خواهد داد و (۲) الگوی کنشگری نهادی که در این مدل نهادها و مؤسسات داخلی متناسب با استراتژی‌های توسعه ملی قطر با دیگر مؤسسات و نهادهای قدرتمند منطقه‌ای و بین‌المللی سطح ارتباط خود را گسترش خواهند داد تا به تأمین منافع بازشناسی شده در چشم‌انداز ۲۰۳۰ دست یابند. به‌طور کلی، توسعه مجازی استراتژی قطر به‌عنوان یک دولت کوچک در سیستم بین‌المللی برای بازیابی، برندسازی، کسب مشروعیت و پرستیژ جهانی است. قطر با افزایش سطح قدرت اقتصادی خود در قالب سیاست‌های متنوع ساز و جذب سرمایه خارجی و همچنین توسعه سرمایه‌گذاری در خارج به ارتقای قدرت اقتصاد خود پرداخته است و از دریچه قدرت اقتصادی به قدرت‌سازی شبکه‌ای سیاسی هم‌دست یافته است، به‌طوری‌که این استراتژی منجر به افزایش نفوذ سیاسی قطر گشته و به‌عنوان یک دولت مدل‌ساز و خواهان نظم مطرح شده است. به‌بیان‌دیگر، پیوند با اقتصاد جهانی در پرتو سیاست بین‌الملل‌گرایی

قدرت‌ساز و تقویت‌پتانسیل‌های سیاسی در قالب یک سیاست خارجی انطباق‌گرای کنش‌پذیر که هدف آن خلق موقعیت و فرصت است بستر ایجاد یک دولت - کشور توسعه‌گرا را فراهم آورده است و با تأکید بر استراتژی جهان - محلی شدن و قدرت‌سازی متداخل در صحنه جهانی به‌عنوان یک متغیر اثرگذار حضور مؤثر و توأم با کنش دارد.

منابع

الف) فارسی

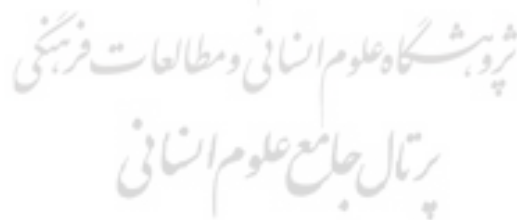
- اصغری‌ثانی، حسین؛ رنجکش، محمدجواد، (۱۳۹۳). «نقش عوامل نرم‌افزاری در تحول منزلت ملی قطر (۲۰۱۱ - ۱۹۹۵)»، مطالعات قدرت نرم، سال ۴، شماره ۱۰.
- آدمی، علی؛ انصاری، محمدحسین، (۱۳۹۹). «اولویت‌های سیاست خارجی قطر در ارتباط با اتحادیه اروپا»، علوم سیاسی، سال ۱۶، شماره ۵۱.
- شیرازی، حسین، (۱۴۰۰). «سیاست‌گذاری تغییر رفتار به منظور توانمندسازی شهروندان؛ رویکردی ضروری در راستای تحقق اهداف کلان دولتی»، دولت‌پژوهی، سال ۷، شماره ۲۷.
- صفریان، روح‌الله؛ امام‌جمعه‌زاده، جواد، (۱۳۹۶). «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه‌اجتماعی و توسعه همه‌جانبه»، دولت‌پژوهی، سال ۳، شماره ۱۲.
- کامروا، مهران، (۱۳۹۶). «سیاست خارجی قطر و استفاده از قدرت ظریف»، مطالعات بین‌المللی، سال ۱۴، شماره ۲.

ب) انگلیسی

- Abduliawad, H. (2019). *University-Industry-Government Partnership: A state of Qatar transformation to a knowledge – based economy case study*. Bellevue University.
- Ahmed, F. B. J. (2018). *Challenges of the Knowledge Society: Exploring the Case of Qatar*. *Global Economic Observer*, 6(1), 39-54.
- Baskan, Birol. (2016). *Turkey and Qatar in the Tangled Geopolitics of the Middle East*, Palgrave Macmillan.
- Bassil, A., Stallworth, J. C., & Boukhris, O. (2017- 2020). *Diversifying Qatar's Economy through Science & Technology Investment –Successes, Challenges & Opportunities*, and P. 17.
- Cornell University. INSEAD. WIPO. (2017). *the global Innovation index 2017 Qatar - innovation feeding the world* Ithaca. Fontainebleau and Geneva.
- European Commission, (2020). *European Union, Political Relation with Qatar*, Retrieved, 23/9/2020/ From European Commissions, <http://www.eeas.europa.eu/headquarter/>.
- Evren tok, M. & et al. (2016). *Policy-making in a Transformative State: Case of Qatar*, Palgrave Macmillan.

- Florida, R., (2019). *Cities and the Creative Class*. New York, NY: Rutledge.
- Fromherz, A. J. (2020). *Qatar A modern History*, Georgetown University Press. Washington, DC. –
- Gremm, J. et al. (2018). *Transitioning Towards a Knowledge Society: Qatar as a Case Study*, Springer.
- GSDP, (2011). *Qatar National Development Strategy 2011-2016*, Doha, QA: General Secretariat for Development and Planning.
- Ikeshita, K & Ikazaki, D, (2021). *Globalization, Population and Regional Growth in Knowledge-Based Economy*, Springer.
- INSEAD. (2017). *the Global innovation index 2017, innovation feeding the world*. INSEAD, Cornell University, INSEAD, World Intellectual Property Organization (WIPO). Retrieves from www.globalinnovationindex.org.
- Kaklauskas, A. et al. (2018). *An evaluation System for University, Industry Partnership Sustainability: Enhancing Options for entrepreneurial University*. *Sustainability*, 10(2), 80-119.
- Kamrava, M., (2015). *Qatar: Small States, Big Politics*, and Ithaca, NY. Cornell University Press.
- Khatib, D. K. & Mazlad, M. (2019). *The Arab Gulf States and the West: Perceptions and Realities- Opportunities and Perils*, New York: Rutledge.
- Krieg, A. (2019). *Divided Gulf the Anatomy of a Crisis*, Palgrave Macmillan.-
- Lanhoso, F. & Coelho, D.A. (2020). *Emergence Aiming Innovation for Sustainability*.
- Marie-Brady, A. (2021). *Small States and the New Security Environment*. Springer.
- Martin, R. et al., (2021). *Geopolitics of the Knowledge-Based Economy*, Routledge.
- Mason, R. (2020). *Small-State Aspiration to Middle Power hood: the Cases of Qatar and the UAE*. In Adham Seoul(Ed.). *Unfulfilled Aspiration Middle Power Politics in the Middle East*. New York: Oxford University Press.
- MDPS Qatar. (2017). *Finding of research & development survey in the state of Qatar 2015-2019*. Ministry of Development Planning and Statistics, April 2017.
- Miniaoui, Hela, (2020). *Economic Development in the Gulf Cooperation Council Countries: From Renter States to Diversified Economies*, Qatar University: Springer.
- Nechansky, H., (2010). *Elements of a Cybernetic epistemology the Four modes of Coexistence of Goal-Orientated System Cybernetic Vol. 36. No.2. Pp. 55-71*.
- Noawaz, W. & Koc . M. (2020). *Industry, University and Government Partnership For Sustainable Development of Knowledge-based Society: Case Study: U.S, Norway, Singapore and Qatar*, University of Aveiro, Springer.
- Powell, W., & Snellman, K. (2020). *The knowledge economy*. School of Education and Department of Sociology, Stanford University.
- Qatar University (QU), (2018). *Qatar Puts the Pursuit of Knowledge Front and Centre* (p. 16). Retrieved from <http://www.nature.com/articles/d42473-018-00045-9/>.
- QCRI. (2017a). <http://qcri.org.qa/about-qcri/vision-mission-and-values>. Accessed on June 15, 2017.
- Range, M., & Etzkowitz, H. (2013). *Triple Helix System: An analytical Framework For innovation policy and Practice in the Knowledge Society*. *Industry, & Higer Education*, 27(3), 247-258.
- Sanchez-Barrioluengo, M. (2019). *Articalating the Three – mission in Spanish Universities*. *Research Policy*, 43: 1760-1773.
- Sleuwaegen, L, Boiarid, P. (2014). *Creativity and Regional Innovation: Evidence From Euregions*. *Research Policy*: 43, 150-162.
- Tassey, G. (2017). *A technology – based growth policy*. *Issues in Science and Technology* Retrieved From [http://researchgate.net/publication/321429714-A-Technoligy-Based-Growth-Policy./](http://researchgate.net/publication/321429714-A-Technoligy-Based-Growth-Policy/)

- Vohra, A. (2019, January). Qatar not Only Survived the GCC blockade, but also thrived. TRT World. Retrieved From <http://www.trtworld.com/magazine/qatar-not-only-survied-the-gcc-blockade-but-also-thrived-23082/>.
- Wand, P. A., (2016). Correlating information Centers to Emerging Knowledge-based Economies. Middle East and North Africa, P. 156- 172.
- WIPO. (2020). the global Innovation index2020 Qatar- innovation feeding the world Ithaca. Fontainebleau and Geneva.
- Yu, F. L. (2017). *Neomercantilist Policy and China's Rise as a Global Power*. Contemporary Chinese Political Economy and Strategic Relations, 3(3), 1043- XV.
- Zheng, Z. (2021). *An introduction to Emergence Dynamics in Complex System*. In Frontiers and Progress of Current Soft matter Research. Pp. 133-196: Springer.
- Zweiri, M (2021), Contemporary Qatar: Examining State and Society, Publisher: Springer.
- Asgharisani, H. & Ranjkesh, M. J. (2014). The role of software factors in the transformation of Qatar's national dignity (1995-2011). Soft Power Studies. Vol. 4. No. 10. Pp. 25-48. (In Persian) .
- Adami, A., & Ansari, M. H. (2020). Qatar's foreign policy priorities in relation with the European Union. Political Science Quarterly, 16(51), 23-45. (In Persian) .
- Shirazi, H. (2021). Behavior Change Policy-Making for Citizen Empowerment: A Necessary Approach to Achieve Large-scale Governmental Objectives. State Studies. Vol. 7. (In Persian).
- Safariyan, R., & Emamjomehzadeh, S. J. (2018). Model of Good Governance: Social Capital and Comprehensive Development. State Studies, 3(12), 145-181. (In Persian) .
- Kamrava, M. (2017). Qatari foreign policy and the exercise of subtle power. Int'l Stud. J., 14, 91.



استناد به این مقاله: مزدخواه، احسان، & حمیدی، سمیه. (۱۴۰۱). قطر و اقتصاد دانش‌بنیان: الگویی نوین برای توسعه‌یافتگی دولت. دولت‌پژوهی، ۸(۳۲)، ۹۱-۱۰۴. doi: 10.22054/tssq.2023.63852.1161



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.